



سناریوهای آینده ارتباطات میان فردی در فراجهان

محمد مهدی مولایی^۱، سعیده سنائی فر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۰۳، تاریخ تایید: ۱۳۸۷/۷/۰۳

چکیده

ارتباطات میان فردی عضوی جدانشدنی از زندگی انسان است که به دلیل پیشرفت فناوری بهره‌مندی از آن فقط به شکل‌های سنتی محدود نیست. در این مقاله آینده ارتباطات میان فردی در متاورس (فراجهان) را مورد توجه قرار داده‌ایم. متاورس به عنوان یکی از مفاهیم نوظهور در حوزه ارتباطات میان فردی، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در متاورس افراد دارای توانایی تعامل با سایر کاربران با استفاده از آواتارها، توانایی میزبانی و شرکت در رویدادها و غیره هستند. از این‌رو هدف این پژوهش، بررسی سناریوهای آینده ارتباطات میان فردی در متاورس است. با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی چهار سناریوی متفاوت برای آینده متاورس مشخص شد. سپس فاکتورهای مهم ارتباطات میان فردی مانند ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی، اثربخشی، ادراک و عواطف در سناریوهای چهارگانه مورد توجه قرار گرفت. با بهره‌گیری از نظریه‌های حوزه ارتباطات میان فردی مانند نظریه کاستن عدم اطمینان، نظریه نفوذ اجتماعی، نظریه مدیریت محرمانگی و غیره، چهار آینده متفاوت برای ارتباطات میان فردی در متاورس تحلیل شده است.

واژه‌های کلیدی: متاورس، فراجهان، ارتباطات میان فردی، آینده متاورس، آینده‌پژوهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ عضو هیات علمی دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛ mmmwolaei@atu.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
saeide_sanaeifar@atu.ac.ir

در دهه‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه فناوری و ارتباطات انسان‌ها را در یک دنیای جدید به یکدیگر متصل کرده است. در عصری که فناوری‌های دیجیتال با سرعتی شگفت‌انگیز در حال پیشرفت هستند، متاورس به عنوان یکی از مفاهیم نوظهور در حوزه ارتباطات میان فردی، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در متاورس افراد دارای توانایی تعامل با سایر کاربران با استفاده از آواتارها، توانایی میزبانی و شرکت در رویدادها و توانایی داشتن دارایی و کسب درآمد هستند. در دسترس بودن نیز از دیگر نکات مهمی است که افراد در متاورس با آن مواجه‌اند. امروزه زندگی مردم با اینترنت گره خورده و گفته می‌شود متاورس آینده اینترنت امروز است؛ بنابراین فرار از آن معنا ندارد و پیش‌بینی می‌شود قسمت بزرگی از زندگی ما را در بر بگیرد. از آنجاکه تجربه در متاورس می‌تواند تأثیرات واقعی و فیزیکی داشته باشد (Mystakidis, 2022: 495)، شکل‌گیری ارتباطات در چنین دنیایی اهمیت زیادی دارد. با گسترش فضای مجازی نوعی از ارتباط در میان افراد ایجاد شده که با ارتباط چهره به چهره بسیار متفاوت است. متاورس اما با واقعیت مجازی و واقعیت افزوده تجربه‌ای را برای ما فراهم می‌کند که هم در واقعیت ریشه دارد و هم در فضای مجازی. با این حال، گسترش فضای مجازی و محیط‌هایی مانند متاورس، در کنار فرصت‌هایی که ایجاد می‌کنند، می‌تواند تأثیرات منفی بر سبک زندگی و رفتارهای افراد، به ویژه کودکان و نوجوانان، داشته باشند. آموزش سواد رسانه‌ای به عنوان یک راهکار مؤثر، می‌تواند به کاربران کمک کند تا در مواجهه با محتوای ناسالم، تعاملاتی آگاهانه‌تر و سالم‌تر در این فضاها داشته باشند. این امر نه تنها از تأثیرات منفی می‌کاهد، بلکه به شکل‌گیری ارتباطات میان فردی سازنده‌تر در متاورس کمک می‌کند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۵). از آنجاکه هنوز متاورس به آن چیزی که قرار است باشد، تبدیل نشده و همچنین هیچ پژوهشی به روابط میان فردی در آن نپرداخته است، آینده‌پژوهی نوع شکل‌گیری ارتباط میان فردی و شناسایی سناریوهای آینده در این دنیای جدید اهمیت دارد.

مطالعات پیشین عواملی از قبیل توسعه فناوری‌های تعامل انسان و ماشین، توسعه فناوری‌های همگرا، شبکه‌های ارتباطی آینده را به عنوان مهم‌ترین پیشران‌های آینده اینترنت ذکر کرده بودند (کوثری و مولایی، ۱۳۹۷). اکنون با تحقق این پیشران‌ها مسیر جدیدی در توسعه اینترنت آینده گشوده شده که بیش از هر مفهوم دیگری در متاورس تبلور یافته است. هدف این پژوهش تحلیل سناریوهای آینده ارتباطات میان فردی در متاورس است.

ارتباطات انسانی عبارت است از ارسال و دریافت پیام‌های کلامی و غیرکلامی بین دو یا چند فرد که در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما در باطن فرایندی پیچیده است. ارتباط جریانی دوطرفه بوده که در آن دو یا چند نفر نظرات، احساسات، افکار و حقایق را باهم مبادله می‌کنند. به‌طور کلی هر انتقال پیامی از فرستنده به گیرنده، ارتباط محسوب می‌شود. ارتباط انسان با انسان می‌توان به دو دسته مستقیم (بدون استفاده از ابزارهای ارتباطی) و غیرمستقیم (با استفاده از ابزارهای ارتباطی) تقسیم کرد. همچنین ارتباطات انسانی به ارتباط درون‌فردی، ارتباط میان‌فردی، ارتباط گروهی، ارتباط عمومی و ارتباط جمعی یا رسانه‌ای تقسیم می‌شود (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۵۲۱). در این زمینه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سواد رسانه‌ای می‌تواند به عنوان راه‌حلی مؤثر برای بهبود مهارت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات، به ویژه در گروه‌های آسیب‌پذیر مانند سالمندان، عمل کند. این رویکرد نه تنها توانایی استفاده از ابزارهای دیجیتال را افزایش می‌دهد، بلکه به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات دیجیتال را به‌صورت انتقادی ارزیابی کرده و از آن‌ها به‌طور مسئولانه استفاده کنند (Sakhaei et al., 2024). در این نوع رابطه محتوای فرامادی وجود دارد و به همین دلیل آن را پایا می‌سازد. البته در رابطه انسانی دو نوع رابطه از یکدیگر جدا می‌شود: رابطه متقابل پیوسته و رابطه متقابل گسسته. در رابطه متقابل گسسته گریز مرکز قرار می‌گیرد و دو طرف در اندیشه سود خود هستند. به‌این‌ترتیب خودخواهی و خودمحوری رشته پیوند را سست می‌کند و بر ورای رابطه متقابل پیوسته قرار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۰-۱۱).

در ارتباطات انسانی، اصلی‌ترین عنصر، انسان است و برقراری ارتباطی صحیح و کارآمد باید ویژگی‌هایش شناخته شود (خال، ۱۳۹۴: ۲۷). «انسان جانوری از تیره نخستینیان از شاخه پستانداران، از گونه آدم‌ها که به سبب رشد کامل مغز از دیگر جانوران متمایز است و قدرت بیان افکار به‌وسیله تکلم و خط دارد و تنها جانوری است که به‌صورت ایستاده راه می‌رود (معین، ۱۳۶۴: ۱۶۹). «انسان آدمی، مردم و بشر است» (عمید، ۱۳۸۶: ۱۶۹). ارتباطات را نیز در ساده‌ترین حالت می‌توان تبادل اطلاعات و انتقال معنی دانست. بنابراین ارتباطات انسانی جریانی است که در آن تبادل و انتقال اطلاعات و معنا رخ می‌دهد و عامل اصلی ایجاد آن، انسان است.

ارتباط کلامی

درک این موضوع توسط همگان آشکار است که زبان، ظرفیت و توانایی مهمی است که انسان را از سایر حیوانات تمایز می‌دهد. اگر ابزار ارتباطی وجود نداشته باشد توانایی انجام کارهایی که در حال حاضر با زبان مان انجام می‌دهیم را نخواهیم داشت. در این صورت محدودیت شدیدی نیز در بیان و انتقال احساسات وجود داشت و حتی ارتباطات روزمره و معمولی با دیگران نیز بسیار پیچیده و زمان‌بر می‌شد. علاوه بر این، انتقال تجربیات به نسل‌های آینده غیرممکن بود و دستیابی به آگاهی از تجربیات نسل‌های گذشته نیز به طرز چشمگیری محدود می‌شد (Beck, 2002: 139).

زبان، قدرتی را فراهم می‌کند که به انسان‌ها اجازه می‌دهد با یکدیگر درباره مسائلی که فراتر از زمینه زبان و مکان قرار دارند، گفت‌وگو کنند. آن‌ها می‌توانند درباره رویدادها، مکان‌ها و فرهنگ‌هایی که به‌صورت مستقیم تجربه نشده‌اند، صحبت کنند. این قابلیت را می‌توان با عنوان «توانایی جابه‌جاشدگی» توصیف کرد (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

ارتباط غیرکلامی

ارتباطات غیرکلامی شامل تمامی ارتباطاتی است که بدون استفاده از کلمات و واژگان صورت می‌گیرد. این نوع ارتباطات به‌وسیله عواطف، حس‌ها، بدن، صدا، اشارات و عملکرد غیرکلامی برقرار می‌شود. ارتباطات غیرکلامی به‌طور معمول برای انتقال احساسات، ارتباط و فهم در میان افراد به کار می‌رود.

دانشمندان ارتباطات باور دارند که رفتارهای غیرکلامی قابل یادگیری و کشف هستند و انسان‌ها در هر مرحله از زندگی خود می‌توانند این آموزش را دریافت کنند و میزان تأثیرگذاری خود را در دیگران کنترل کنند، آن را افزایش دهند و از آن بهره‌برداری کنند (باستانی، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳). ارتباط غیرکلامی شامل تمامی جنبه‌های ارتباطی است، به استثنای کلمات. ارتباط غیرکلامی نه‌تنها شامل ژست‌ها و حرکات بدن می‌شود، بلکه نحوه ادای کلمات را نیز شامل می‌شود؛ مانند آهنگ ادای کلمات، وقفه‌ها، بلندی صدا و لهجه. این ویژگی‌های غیرکلامی بر معنای کلمات تأثیر می‌گذارند (وود، ۱۳۸۴: ۲۸۴).

در مورد ارتباطات باید دانست که ارتباطات غیرکلامی در بیشتر ارتباطات میان‌فردی حاضر است، در مقایسه با ارتباطات کلامی غالباً اطلاعات بیشتری را انتقال می‌دهد، بیشتر از ارتباطات کلامی باورپذیر است، از منابع اولیه ارتباط احساسی است و در کل یک فرا

ارتباط است (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۱۵۷-۱۶۱). همچنین سه وظیفه اساسی پیام‌های غیرکلامی شامل این موارد می‌شود: جایگزین پیام‌های کلامی می‌شوند، پیام‌های کلامی را تقویت می‌کنند و معنی راحت‌تر منتقل می‌شود و در خلاف یا رد پیام‌های کلامی عمل می‌کنند (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۱۳۶-۳۲۷).

ارتباطات میان فردی

این نوع ارتباط اولین بار در دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان به بعد، دامنه مطالعات و بررسی‌ها در این حوزه گسترش یافت. علاوه بر موضوعاتی مانند سخنرانی عمومی، مطالعات در حوزه‌هایی همچون خود افشایی، تأییدجویی، ارتباطات خانوادگی، ارتباطات محاوره‌ای و حل تعارض‌ها نیز انجام شد. ارتباط میان فردی به عنوان یک فرآیند تعاملی میان دو نفر توصیف می‌شود که در طول آن، پیام‌ها به صورت دوطرفه ارسال و دریافت می‌شوند. برای برقراری ارتباط میان فردی، لازم است که طرف فرستنده پیام را به خوبی رمزگذاری کرده و طرف دریافت کننده پیام را به طور کامل رمزگشایی کند. به عبارت دیگر، مهارت و دقت ارتباط کنندگان در برقراری ارتباط، تأثیر مستقیمی در موفقیت آن‌ها دارد.

مقوله‌های مؤثر در ارتباطات میان فردی

عوامل مؤثر در ارتباطات میان فردی شامل قدرت گوش دادن، انتقال احساسات، همبستگی غیرکلامی، قدرت بیان و احترام به حقوق فردی هستند. گوش دادن فعالانه باعث تقویت رابطه و احساس شناخته شدن می‌شود. انتقال صادقانه احساسات منجر به شناخت و درک بهتر فرد مقابل می‌شود و همدلی را افزایش می‌دهد. همبستگی غیرکلامی از طریق برخورد صمیمانه، لبخند زدن و حرکات بدنی، عواطف را بهتر منتقل می‌کند. قدرت بیان، بیان صحیح و دقیق افکار را ممکن می‌سازد. احترام به حقوق فردی، اعتماد و احساس امنیت را تقویت کرده و روابط فردی را بهبود می‌بخشد (محسنیان راد، ۱۳۶۹).

اثربخشی در ارتباطات میان فردی

اثربخشی ارتباطات میان فردی نسبی و وابسته به شرایط و عوامل مختلف است. این ارتباطات می‌توانند بسیار موفق یا ناموفق باشند، اما پیش‌بینی قطعی درباره نتیجه ممکن نیست. ارتباطات میان فردی دو بُعد اساسی دارند: بُعد عملگرایانه و بُعد خشنودی شخصی. بُعد عملگرایانه به میزان

موفقیت در دستیابی به اهداف و خواسته‌های فرستنده یا گیرنده پیام اشاره دارد. بُعد خشنودی شخصی مرتبط با لذت و رضایتی است که افراد از ارتباط تجربه می‌کنند. اثربخشی ارتباطات می‌تواند در یک بُعد موفق ولی در بُعد دیگر ناکام باشد. اغلب، رضایت از رفتار ارتباطی به میزان دستاوردها و فاصله آن‌ها از اهداف وابسته است. به‌طور کلی، تأثیرگذاری ارتباطات میان‌فردی به شرایط و شاخصه‌های مختلف بستگی دارد (فرهنگی، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۲).

ادراک در ارتباطات میان‌فردی

ادراک در ارتباطات میان‌فردی مفهومی مهم در رشته‌های روانشناسی، علوم اجتماعی و ارتباطات است. این فرایند شامل توجه، تفسیر و تجربه اطلاعات ارتباطی است. در روانشناسی، ادراک به‌عنوان پردازش شناختی مطالعه می‌شود که بر روابط اجتماعی و حل مشکلات تأثیر دارد. در علوم ارتباطات، ادراک نقش مهمی در معناپردازی ارتباطات دارد و به نحوه شناخت و تفسیر نشانه‌های غیرکلامی می‌پردازد. عوامل متعددی مانند تجربه‌های قبلی، مهارت‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و شرایط فردی، همچنین عوامل فرهنگی و زبانی، بر ادراک تأثیر می‌گذارند. ادراک دقیق به فهم بهتر پیام‌ها و جلوگیری از سوءتفاهمات کمک می‌کند.

عواطف در ارتباطات میان‌فردی

عواطف در ارتباطات میان‌فردی نقش بسیار حیاتی دارند. آن‌ها نمایانگر تجربه‌ها، احساسات و واکنش‌های شخصی ما در تعامل با دیگران هستند. عواطف می‌توانند ارتباطات را پویا کرده و تأثیر قابل‌توجهی در روابط ما با دیگران داشته باشند. هنگامی که ما عواطف خود را به نحو مناسب نمایش می‌دهیم، به دیگران اطلاعات بیشتری درباره حالت روحی و نگرش‌هایمان منتقل می‌کنیم. این نوع ارتباطات عاطفی می‌توانند به تعاملات مان با دیگران قوت و رونق بخشند و تأثیر قابل‌توجهی در کیفیت روابطمان داشته باشند. همچنین، به اشتراک‌گذاری مشکلات، احساسات و افکار خود با دیگران می‌تواند منجر به کاهش شکایت‌ها، خشم و دشمنی شود و به‌این‌ترتیب باعث کاهش استرس در ذهن و بدن ما می‌شود. علاوه بر این، عواطف مثبت و دوست‌داشتنی ما می‌توانند ما را به‌سوی افرادی که به آن‌ها علاقه‌مندیم جذب و در نتیجه، بهبودی در ارتباطات میان‌فردی و تقویت روابط ایجاد کنند.

نظریه کاستن عدم اطمینان

چارلز برگر و ریچارد کالابریس در سال ۱۹۷۵ نظریه کاستن عدم اطمینان را معرفی کردند که طبق آن وقتی افراد از میزان عدم اطمینان خود نسبت به یکدیگر می‌کاهند، روابط میان‌فردی آن‌ها بهبود می‌یابد. در نتیجه به این دلیل که عدم اطمینان ناراحت‌کننده است، افراد می‌کوشند تا پیش‌بینی‌پذیری رفتارها، نگرش‌ها و باورهای دیگران را افزایش دهند (شلدون، ۱۳۹۶: ۱۵). سه راهبرد وجود دارد که افراد می‌توانند با استفاده از آن‌ها اطمینان را روابط میان‌فردی خود افزایش دهند: جمع‌آوری اطلاعات با مشاهده رفتار، پرسش از سوم‌شخص و تعامل با فرد. البته راهبردهای افراد برای کاستن عدم اطمینان در تعامل چهره به چهره را می‌توان در موقعیت‌های رایانه - واسط همانند سایت‌های شبکه اجتماعی هم به کار برد (شلدون، ۱۳۹۶: ۱۶).

برای کسب اطلاعات بیشتر و ایجاد اطمینان خود افشایی صورت می‌گیرد. خود افشایی یعنی به اشتراک‌گذاری عمدی اطلاعات درباره خود و هر نوع پیامی که درباره خود به دیگران منتقل شود، خود افشایی است. اطلاعات بیشتر موجب خود افشایی بیشتر می‌شود، خود افشایی بیشتر اطلاعات بیشتری را ارائه می‌دهد و به این ترتیب، هرچه عمق و وسعت خود افشایی بیشتر باشد، پیش‌بینی‌پذیری رفتار هم افزایش می‌یابد (شلدون، ۱۳۹۶: ۱۸). خود افشایی در جلب اعتماد در ارتباط میان‌فردی اهمیت زیادی دارد و هرچه بیشتر باشد، خود افشایی هم بیشتر می‌شود.

نظریه نفوذ اجتماعی

این نظریه را آلتمن و تیلور در سال ۱۹۷۳ معرفی کردند که به میزان صمیمیت مربوط می‌شود. به بیان دیگر با نفوذ اجتماعی رابطه از حالت سطحی به حالت صمیمانه می‌رسد. لایه بیرونی عبارت است از اطلاعات سطحی مثل علایق موسیقی و هسته مرکزی نیز شامل احساسات و ارزش‌ها، باورها و تصور از خود می‌شود (شلدون، ۱۳۹۶: ۲۱)؛ بنابراین در این نظریه نیز خودافزایی نقش حائز اهمیتی دارد. با خود افشایی افراد می‌توانند باورهای خود را برای دیگری تبیین کنند و یا این‌که فقط از علاقه خود به کتاب جدیدشان بگویند. صمیمیت و نفوذ پهنا و ژرفا دارد؛ پهنا به شمار موضوعات مختلف مربوط می‌شود و منظور از ژرفا میزان صمیمیت است. با این‌که تانگ و وانگ معتقدند ژرف‌ترین و وسیع‌ترین خود افشایی برای دوستان در دنیای واقعی است (شلدون، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ ولی در دنیای مجازی هم خود افشایی وسیعی رخ می‌دهد. به هر حال

خود افشایی برای دوستان مجازی کمتر از دوستان چهره به چهره است؛ زیرا نامرئی بودن فیزیکی به کاربران اجتماعات آنلاین این امکان را می‌دهد تا هویت انتخابی خود را آشکار یا پنهان کنند (شلدون، ۱۳۹۶: ۲۳ و ۲۴).

نظریه مدیریت محرمانگی ارتباط

پترنیو در سال ۲۰۰۲ این نظریه را معرفی کرد و به جای اصطلاح خود افشایی از افشای خصوصی استفاده کرد. افشای خصوصی به معنای فرایند انتقال اطلاعات خصوصی به دیگران است. طبق این نظریه بین عمومی و خصوصی بودن مرزی وجود دارد و وقتی افراد اطلاعات خصوصی خود را برای دیگران افشا می‌کنند، حدود پیرامون اطلاعات مشترک، حدود جمعی نامیده می‌شود (شلدون، ۱۳۹۶: ۳۱). معیارهای مهمی که برای آشکار کردن یا پنهان کردن اطلاعات مشترک وجود دارد، شامل فرهنگ، جنسیت، انگیزه‌ها، زمینه و نسبت ریسک به فایده می‌شود. بر اساس مفروضات کنترل و مالکیت نظریه مدیریت محرمانگی ارتباط، افراد تصور می‌کنند مالک اطلاعات خصوصی مختص به خود هستند و می‌توانند دسترسی دیگران به آن‌ها را کنترل کنند. همچنین این نظریه یک نظریه دیالکتیک است، زیرا افراد هم به صیانت از استقلال و هم دسترسی به تعامل اجتماعی نیاز دارند (شلدون، ۱۳۹۶: ۳۱). در فضای مجازی نیز همواره یک پارادوکس حریم شخصی رخ می‌دهد؛ به این معنا که گرچه کاربران فضای آنلاین به افشای اطلاعات ادامه می‌دهند، اما نسبت به پیامدهای افشاگری با احتیاط عمل می‌کنند. این تناقض در ارتباط چهره به چهره وجود ندارد؛ زیرا اطلاعاتی ذخیره و بایگانی نمی‌شود (شلدون، ۱۳۹۶: ۳۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فناوری اطلاعات، با وجود مزایایی مانند بهبود ارتباطات و تصمیم‌گیری، می‌تواند ریسک‌هایی مانند آسیب‌پذیری‌های امنیتی و حریم خصوصی را نیز به همراه داشته باشد. بنابراین، رویکرد متوازن به فناوری و مدیریت ریسک برای بهره‌برداری مؤثر از آن ضروری است (Soroori Sarabi et al., 2023).

پیشینه تجربی

در مقاله‌ای با عنوان «متاورس و ارتباطات آن» تأثیرات و مفاهیم متاورس، هنر دیجیتال و مد و مشکلات آن بر ابعاد مختلف از جمله ارتباطات، کار، آموزش، بهداشت، کسب‌وکار و محصولات مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان بر این باور است که فناوری متاورس و نوآوری‌های ارتباطی با مشکلاتی همچون امنیت، اعتماد، حریم خصوصی و اعتیاد دیجیتال روبه‌رو هستند. او

بیان می‌کند که دو دیدگاه متضاد درباره متاورس وجود دارد و تغییرات ناگهانی در جهان مدرن نیز بر تحولات در زمینه هویت و ارتباطات تأثیرگذار است (Winterhalter, 2023).

در مقاله «ارتباط میان فردی ناشنویان در عصر متاورس» ارتباطات ناشنوا در یک روستای اندونزی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این افراد تاکنون قادر به استفاده از متاورس برای تسهیل ارتباطات نبوده‌اند، اما از پیشرفت‌های فناوری برای ارسال پیام به‌عنوان راهی آسان برای ارتباط استفاده می‌کنند. نتایج به اهمیت متاورس برای افراد ناشنوا اشاره کرده و با توجه به پیشرفت‌های فناوری، به‌ویژه متاورس، بیان می‌کند ارتباطات میان فردی در این جامعه توسعه می‌یابد (Dani, 2022).

در مقاله «تحقیقات ارتباطات بین فردی در متاورس» نویسنده به بررسی ویژگی‌های جدید احتمالی ارتباطات میان فردی در زمینه متاورس می‌پردازد. با تحلیل محتوای فیلم‌های علمی تخیلی، ویژگی‌هایی همچون منبع ارتباطات انسان‌ها با آواتارهای مجازی، فضای ارتباطات شامل هر دو دنیای واقعی و مجازی و تجربه‌های چند حسی برای افراد مشخص شده است (Ziying, 2022). این مقالات به وجوهی از ارتباطات میان فردی در متاورس توجه داشته‌اند، اما هیچ‌کدام با رویکرد آینده‌پژوهانه و در قالب سناریوها به موضوع ورود نکرده‌اند. در این مقاله تلاش کردیم این کاستی را برطرف کنیم.

روش پژوهش: آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی با یک نگرش هنجاری نسبت به آینده همراه است و به‌عنوان یک علم ترکیبی از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مخصوص به خود به وجود آمده است (کورنیش، ۲۰۰۷: ۲۳۲). در ابتدا، آینده‌پژوهی تلاش می‌کند تا آینده‌های بدیل را شناسایی کند، در رویکرد اکتشافی آینده‌پژوهی، ارزش‌ها مهم نیستند و آینده‌پژوه به شناسایی تعدادی از آینده‌های ممکن می‌پردازد. در آینده‌پژوهی، آینده به‌صورت قطعی پذیرفته نمی‌شود و به‌جای آن، آن‌ها را به‌عنوان آینده‌های بدیل در نظر می‌گیرند که می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند (حیدری، ۱۳۹۳).

وندل بل (۱۳۹۲) در تعریف آینده‌پژوهی به سه مؤلفه تأکید می‌کند: اول، آینده‌پژوهی یک تلفیق علم و هنر است و فقط یک علم محدود نیست. دوم، آینده‌پژوهی بر روی کشف آینده مبتنی بر روابط علّی و معلولی معین تمرکز دارد، نه بر حدس و گمان و سوم، مهم‌ترین مؤلفه آینده‌پژوهی، شکل دادن به آینده مطلوب فردا است.

آینده‌پژوهی، نه تنها به دنبال کشف‌های خود درباره موضوع (آینده) است، بلکه به دنبال اطمینان‌افزایی و بهبود روش‌هایی است که با کمک آن‌ها به کشف و شناخت بهتر این موضوع بپردازد (Voros, 2003).

سناریوپردازی

در پژوهش حاضر از روش سناریوپردازی به عنوان یکی از روش‌های برجسته در حوزه آینده‌پژوهی استفاده شده است. روش سناریوپردازی عناصر کلیدی آینده‌پژوهی را تشکیل داده و به ما امکان می‌دهد تا آینده‌های مختلفی را با در نظر گرفتن متغیرهای مختلف و رویدادهای محتمل به تصویر کشانده و مورد ارزیابی قرار دهیم. این روش، ابزاری قدرتمند برای تصمیم‌گیری صحیح در مقابل آینده‌های مختلف و ممکن است. با استفاده از این روش، می‌توان به تفکر سامانمند پیرامون اثرات تصمیمات مختلف بر آینده پرداخت و استراتژی‌های مؤثری برای رسیدن به آینده‌های مطلوب و پایدار تدوین کرد. روش سناریوپردازی به ما این امکان را می‌دهد تا با پژوهش و تحلیل دقیق، آینده‌های ممکن و محتمل را به نحوی تصویری و شفاف بسط دهیم که در فرایند تصمیم‌گیری‌های آتی مؤثر واقع شوند.

در روش‌های آینده‌پژوهی، آینده را به عنوان ادامه زمان حال می‌بینند و برای شناخت آینده، از پیگیری و تحلیل روندهای زمان حال بهره می‌برند. این روش‌ها به واقعیت‌های نزدیک‌تر به حال و دارای عدم قطعیت کمتری تمرکز دارند. پیش‌بینی‌ها ممکن است در زمان‌های کوتاه‌مدت به خوبی عمل کنند، اما در مدت‌های طولانی‌تر ممکن است مناسب نباشند. سناریونویسی به ما این امکان را می‌دهد که به میزان بیشتری به آینده‌های بلندمدت فکر کنیم و آینده‌های جایگزینی را در نظر بگیریم. این روش به ما اجازه می‌دهد آینده‌های مختلفی را در نظر بگیریم که با پیامدهای محتمل متفاوتی همراه هستند و با در نظر گرفتن آن‌ها، از وقوع مشکلات در آینده پیشگیری کنیم. هر یک از این آینده‌های جایگزین به شکل یک داستان ارائه می‌شوند که به عنوان یک سناریو شناخته می‌شوند (حاجیانی، ۱۳۹۲). سناریوپردازی ابزار مناسبی برای آینده‌پژوهی فضای مجازی است که در مطالعات پیشین هم مورد توجه قرار گرفته است (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶).

سناریوی آینده‌های جایگزین

روش‌های متفاوتی برای سناریوپردازی وجود دارد و ما در اینجا از الگوی جیم دیتور بهره گرفته‌ایم. در سال ۱۹۷۹، جیم دیتور، محقق علوم سیاسی و آینده‌پژوه، مدیر دوره دکترای دانشگاه هاوایی برنامه آینده‌های جایگزین را منتشر کرد. او مدلی پیشگامانه از تصاویر تغییرات اجتماعی ارائه داد که به چهار گروه تقسیم می‌شدند: رشد، فروپاشی، جامعه منضبط و تحول. این الگوی چهارگانه به‌عنوان مکتب چهارتایی مانوا شناخته شد. آینده‌های جایگزین شامل امکان بی‌پایان تغییرات است، همه آن‌ها ممکن هستند و هیچ‌کدام از آن‌ها واقعاً احتمال‌پذیرتر از دیگری نیستند.

رشد: سناریوی رشد آینده‌ای را به تصویر می‌کشد که انتظار می‌رود در آن تغییرات قابل توجهی در ابعاد مختلف زندگی رخ دهد. این تغییرات، به‌جای این‌که به‌عنوان مشکلات منفی تلقی شوند، به‌عنوان فرصت‌های جدید برای رشد در زمینه‌های مختلف موردنظر گرفته می‌شوند. رشد به‌عنوان مسیر اصلی که اکثر سازمان‌ها، دولت‌ها و حتی افراد در آینده به آن نگاه می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود. اگرچه اصطلاح رشد معمولاً به توسعه اقتصادی اشاره دارد، اما بیشتر از این است و چالش‌های گسترش نیز به‌طور چشمگیری در آن جای می‌گیرند. بسیاری از نهادهای جامعه مدرن، از جمله آموزش، حکومت و اقتصاد، اغلب به ترویج رشد (به‌ویژه رشد اقتصادی و جمعیت) تمایل دارند (دیتور و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۰).

محدودیت و انضباط: سناریوی انضباط بر اساس این ایده است که می‌توانیم و ممکن است از فروپاشی محیطی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی جلوگیری کنیم و با محدود کردن رفتارهای خود در تمام این حوزه‌ها پایدار شویم. باین‌حال، درحالی‌که آینده‌های پایدار به‌طور ذاتی دارای انضباط هستند، همه سناریوهای انضباطی پایدار نیستند. نسخه‌های دیگر از تصویر انضباطی از آینده می‌گویند که حتی اگر رشد مستمر به لحاظ منابع و محیط‌زیست قابل‌دستیابی باشد، رشد اقتصادی مستمر برخی از ارزش‌های اساسی را نابود می‌کند. انضباط ممکن است به استبداد اشاره کند، اما یک جامعه انضباطی همچنین می‌تواند به‌گونه‌ای طراحی شود که سیستم‌های آموزشی، نهادی، ساختاری و مشابه، افراد را به زندگی آرام، معنی‌دار بدون تقاضای پیوسته برای رشد تشویق کنند (دیتور و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۱).

سقوط: این سناریو بر این اعتقاد مبتنی است که سیستم‌های اقتصادی، محیطی، دولتی و اجتماعی به شکلی که امروزه می‌شناسیم، به‌طورجدی ناتوان و ناپایدار هستند و به‌صورت جزئی

یا کلی فروپاشی خواهند کرد (دیتور و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۰). سقوط پس از شکست‌های پی‌درپی اشخاص یا سازمان‌ها رخ می‌دهد و ممکن است انسانی، فناوریانه، یا طبیعی باشد.

دگرگونی: سناریوی دگرگونی بر اساس ایده است که انقلاب فناوریانه یا معنوی آینده‌ای تولید خواهد کرد که به‌گونه‌ای چشمگیر و متفاوت از هر چیزی که انسان‌ها تاکنون تجربه کرده‌اند، خواهد بود. این انقلاب طوری رخ خواهد داد که جهان به‌عنوان چیزی که حالا می‌شناسیم در آینده قابل تشخیص نخواهد بود (دیتور و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۱).

نتایج

در این پژوهش با روش‌های تحلیل متنی و رجوع به خبرگان، چهار سناریو برای آینده ارتباطات میان‌فردی با رویکرد دیتور در افق زمانی ۱۰ ساله به دست آمد. سناریوهای مطرح شده در این پژوهش، بر پایه مضامین استخراج شده از منابع گوناگون، تدوین شده‌اند.

۱. سناریوی رشد

در این سناریو متاورس به‌عنوان پلی ارتباطی بین دنیای واقعی و دنیای مجازی به‌شدت توسعه می‌یابد. با افزایش پیشرفت در زمینه‌های مختلف فناوری مانند عینک‌های واقعیت افزوده، هدست‌های واقعیت مجازی، گوشی‌های هوشمند، رایانه‌های شخصی و کنسول‌های بازی، به تنوع دستگاه‌های دسترسی به متاورس در طول زمان افزوده می‌شود. متاورس افراد را به یکدیگر نزدیک می‌کند و باعث بهبود روابط اجتماعی می‌شود. افراد می‌توانند در متاورس با آواتارهایی که خودشان انتخاب کرده‌اند با افراد دیگر در سراسر جهان ارتباط برقرار کنند. این امر به افزایش حضور کاربران در متاورس کمک می‌کند؛ زیرا محدودیت‌های ارتباطی که ممکن است هر فرد برای خود در نظر بگیرد را از بین می‌برد. پیشرفت در فناوری باعث می‌شود تا مرزها بین این دو دنیا به شکل شگفت‌انگیزی ناپدید شود. این امر امکان برقراری ارتباطات مشابه ارتباطات حضوری را در متاورس فراهم می‌کند. همچنین استفاده از فناوری‌های امنیتی امکان افزایش امنیت در این محیط را ایجاد می‌کند.

۲. سناریوی محدودیت و انضباط

در سناریوی محدودیت، پیش‌بینی می‌شود که متاورس گسترش می‌یابد، اما پیشرفت با سرعت کم‌تری اتفاق می‌افتاد؛ زیرا متاورس با چالش‌ها و مشکلات ارتباطی زیادی روبه‌روست. با این حال، در صورتی که افراد با نظر به ارزش‌ها، اخلاق، حقوق و مسئولیت‌ها سعی در رفع چالش‌ها داشته باشند، بقا ممکن است. چالش‌هایی مثل امکان بروز رفتارهای غیرمنتظره، ایجاد احساس ترس و نگرانی، خستگی از استفاده از فناوری‌های پوشیدنی از جمله هدست‌ها و از بین رفتن اعتماد نگران‌کننده‌اند. اما می‌توان با آموزش جامعه و مدیریت مشکلات چالش‌ها را پشت سر گذاشت. همچنین با این‌که نگرانی‌های زیادی در خصوص امنیت وجود دارد، اما سیاست‌ها و فناوری‌ها به منظور حفظ حریم شخصی و تضمین امنیت در متاورس توسعه می‌یابند. چالش‌های مالی و محدودیت‌های فناوری از دیگر مواردی است که متاورس را به سقوط نزدیک می‌کند، اما برای رفع این چالش‌ها و مشکلات، متخصصان فناوری سعی می‌کنند که دسترسی به فناوری‌های لازم را گسترش دهند تا انطباق با تغییرات فناورانه اتفاق افتد.

۳. سناریوی سقوط

در این سناریو متاورس به یک دنیای مجازی شکست‌خورده تبدیل شده که افراد نمی‌توانند با اطمینان از آن برای ارتباطات میان‌فردی استفاده کنند و به دنبال راه‌های دیگری برای تعامل با یکدیگر هستند. در واقع افراد نمی‌توانند برنامه‌ریزی و پیش‌بینی کنند که چه تجربیات و فرصت‌هایی در متاورس برایشان وجود دارد و چه خطراتی تهدیدشان می‌کند؛ بنابراین انواع دیگر ارتباطات و حضور در کنار افراد دیگر را ترجیح می‌دهند. سقوط متاورس ممکن است به دلیل بحران‌های مالی، فناوری، اقتصادی و اجتماعی یا حوادث طبیعی رخ داده باشد. همچنین پیشی گرفتن سایر فناوری‌ها بر متاورس، باعث زوال این دنیای مجازی شده است. سقوط متاورس بسیار وابسته به فعالان در این زمینه بوده؛ برای مثال زاکربرگ، مؤسس و مدیرعامل متا، از بازیگران اصلی در صحنه متاورس، سعی داشت متاورس را آن‌طور که خودش می‌خواست شکل بدهد و از آن به عنوان یک ابزار برای افزایش قدرت، سود و نفوذ خود استفاده کند. حالا افراد به دلیل کاهش علاقه به حضور در متاورس، به دنبال راه‌های دیگری برای ارتباطات میان‌فردی هستند.

۴. سناریوی دگرگونی

در سناریوی دگرگونی انقلابی رخ می‌دهد که باعث خواهد شد آینده‌ای به شدت متفاوت از آنچه که انسان‌ها تاکنون تجربه کرده‌اند، ایجاد شود و جهان پیش از دگرگونی ناشناخته به نظر برسد. در صعود بی‌پروا افراد با استفاده از فناوری‌های پیشرفته واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، می‌توانند به متاورس وارد شوند و تجربیاتی را که در دنیای واقعی غیرممکن یا دشوار است، کسب کنند. با پیشرفت قابل توجه فناوری‌های پوشیدنی، ورود به متاورس با ابزارهای سبک بسیار راحت خواهد بود. متاورس دنیایی فراتر از دنیای طبیعی است که در آن افراد می‌توانند با تغییر هویت خود زندگی‌های متفاوتی را تجربه کنند. متاورس دنیایی بدون مرز است که در آن افراد می‌توانند با افراد و موجودات دیگر از سراسر جهان و حتی از سیارات و ابعاد دیگر ارتباط برقرار کنند. متاورس نه فقط از لحاظ ارتباطی، بلکه در آموزش و یادگیری نیز به عنوان سطح بعدی اینترنت شناخته می‌شود. پیشرفت ارتباطات علاوه بر سطح فردی در سطح بین‌المللی هم واضح است. گسترش مخاطبان از سطح ملی به جهانی باعث می‌شود تنوع افرادی که در ارتباطات بین‌المللی دخیل می‌شوند، افزایش یابد. همچنین تنوع در کانال‌های ارتباطی باعث سهولت ارتباط می‌شود و حتی دقت در تعاملات بین‌المللی را بیشتر می‌کند. دگرگونی آن قدر وسیع است که تجربیات ناتوان‌ها نیز بهبود می‌یابد. یعنی افراد دارای معلولیت توانایی تجربه زندگی جدیدی را دارند. گویی یک زندگی بدون محدودیت برای همه در متاورس ایجاد می‌شود. دنیای این سناریو چیزی شبیه به فیلم‌های علمی - تخیلی امروز است.

ارتباطات میان فردی در سناریوهای چهارگانه

با در نظر گرفتن فاکتورهای مهم ارتباطات میان فردی می‌توان به بررسی این نوع ارتباط در هر سناریو پرداخت. همان‌طور که توضیح داده شد، ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی، اثربخشی، ادراک و عواطف در ارتباطات میان فردی اهمیت دارد. به همین دلیل در بررسی ارتباطات میان فردی در سناریوهای چهارگانه باید به این عوامل توجه کرد.

علاوه بر این، پرداختن به نظریاتی مانند نظریه کاستن عدم اطمینان، نفوذ اجتماعی و مدیریت محرمانگی ارتباط می‌تواند به فهم بهتر تفاوت ارتباطات میان فردی در هر سناریو کمک کند.

جدول ۱- فاکتورهای مهم ارتباطات میان فردی در سناریوهای چهارگانه

سناریوی رشد	سناریوی محدودیت	سناریوی زوال	سناریوی دگرگونی
در این سناریو افراد قادر به برقراری ارتباطات کلامی مؤثرتری هستند؛ زیرا فناوری‌های مورد استفاده در متاورس بهبود می‌یابند. با افزایش ارتباطات کلامی، ارتباطات میان فردی نیز گسترش می‌یابد.	در این سناریو چالش‌های مختلفی برای برقراری ارتباط وجود دارد، اما مدیریت برای رفع آن‌ها به افزایش ارتباطات میان فردی کمک می‌کند. اگر مدیریت در راستای افزایش ارتباط کلامی باشد (مثلاً بهبود کیفیت هدست‌ها) ارتباطات میان فردی گسترش می‌یابد.	در این سناریو احتمال برقراری ارتباطات میان فردی مطلوب در متاورس وجود ندارد و به طبع ارتباطات کلامی به صورت حضوری یا از راه‌های دیگر امکان‌پذیر است.	در این سناریو ارتباطات کلامی در متاورس پیشرفته‌ترین حالت خود رخ می‌دهد. همه افراد، حتی کسانی که دارای ناتوانی جسمی- حرکتی هستند نیز می‌توانند در متاورس ارتباط کلامی داشته باشند.
در این سناریو، با پیشرفت فناوری‌های واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، ارتباطات غیر کلامی در متاورس نیز تقویت می‌شود. آواتارها می‌توانند حالات کاربران را نشان دهند و ارتباطات میان فردی توسعه یابد.	در این سناریو ممکن است ارتباطات غیر کلامی در متاورس ضعف‌هایی داشته باشد، اما در صورت حل چالش‌ها ارتباط غیر کلامی در متاورس به واقعیت شبیه‌تر خواهد بود.	در این سناریو متاورس با سقوط مواجه می‌شود و ارتباط غیر کلامی در آن نقشی ندارد.	در این سناریو فناوری‌های متاورس آن‌قدر توسعه می‌یابد که ارتباط غیر کلامی مانند زبان بدن کاملاً مشابه واقعیت خواهد بود، حتی برای افرادی که از کشورهای مختلف به برقراری ارتباطات میان فردی می‌پردازند.
در این سناریو با پیشرفت و گسترش متاورس، فرصت‌های بیشتری برای ارتباطات میان فردی وجود دارد. این فضا به افراد اجازه می‌دهد	در این سناریو مشکلات و چالش‌های ارتباطی ممکن است منجر به کاهش اثربخشی ویژگی‌های ارتباطات میان فردی شود. برای مثال، عدم اطمینان و احساس ناامنی ممکن	در این سناریو اثربخشی در ارتباطات میان فردی در متاورس معنایی ندارد؛ چراکه این فضا با زوال مواجه شده است.	در این سناریو انقلاب می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های جدیدی برای ارتباطات میان فردی شود؛ زیرا با افزایش اثربخشی علاقه به برقراری ارتباط در

سناریوی رشد	سناریوی محدودیت	سناریوی زوال	سناریوی دگرگونی
احساسات و ایده‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند.	است باعث کاهش گشودگی و حمایتگری و در کل اثربخشی شود.		متاورس افزایش می‌یابد.
در این سناریو با پیشرفت فناوری افراد می‌توانند چیزهای جدیدی را تجربه کنند که در دنیای واقعی غیرممکن یا دشوار است. این ویژگی حتی به ادراک افراد در ارتباطاتشان نیز کمک می‌کند.	در این سناریو چالش‌های موجود به کاهش علاقه افراد به حضور در متاورس منجر می‌شود، اما مدیریت بحران کمک می‌کند ارتباطات میان‌فردی در متاورس افزایش یابد و در نتیجه آن ادراک بهتر رخ دهد.	در این سناریو ادراک در ارتباطات میان‌فردی در متاورس بی‌معناست؛ زیرا متاورس اهمیت ندارد و تمایل به برقراری ارتباط از راه‌های دیگر بیشتر است.	در این سناریو همه افراد شاهد یک انقلاب اساسی هستند که ارتباطات بین آن‌ها را تغییر می‌دهد. این امر به بهبود ادراک از محیط مجازی منجر می‌شود.
در این سناریو با پیشرفت فناوری امکان بروز مجازی عواطف وجود دارد، مانند شادی، غم، ترس و...	در این سناریو فناوری آن‌قدر پیشرفت نکرده تا بتوان عواطف را همان‌طور که واقعاً هست، ابراز کرد. با این وجود حالتی که نزدیک به عواطف واقعی هستند قابل‌نمایش است.	در این سناریو ابراز عواطف فقط از راه‌های دیگری به‌جز متاورس امکان‌پذیر است.	در این سناریو فناوری‌های پوشیدنی به‌گونه‌ای تغییر کرده‌اند که ابراز عواطف هم به‌صورت خودآگاه و هم ناخودآگاه در متاورس امکان‌پذیر است و ارتباطات میان‌فردی گسترش می‌یابد.

همان‌طور که از جدول واضح است، در سناریوی رشد با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و نوآورانه، ارتباطات میان‌فردی در متاورس پیشرفت می‌کند. در این سناریو افراد می‌توانند ارتباطات کلامی مؤثرتری داشته باشند، زیرا فناوری‌های مورد استفاده در متاورس کیفیت و قابلیت اطمینان بالاتری دارند. این امر باعث می‌شود که ارتباطات میان‌فردی نیز گسترش یابد و افراد بتوانند با یکدیگر رابطه برقرار کنند. همچنین، ارتباطات غیرکلامی نیز در متاورس تقویت می‌شود، زیرا آواتارها می‌توانند حالات کاربران را به‌صورت واقع‌گرایانه نشان دهند. این امر به افراد

کمک می‌کند تا از زبان بدن، چهره، ژست و حرکات دست در ارتباطاتشان استفاده کنند. در این سناریو اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی نیز بالا می‌رود، زیرا متاورس فرصت‌های بیشتری برای اشتراک‌گذاری احساسات و ایده‌ها به افراد می‌دهد. این فضا به افراد اجازه می‌دهد تا گشودگی و حمایتگری خود را نشان دهند. علاوه بر این، ادراک نیز در این سناریو بهبود می‌یابد، زیرا افراد می‌توانند چیزهای جدیدی را تجربه کنند که در دنیای واقعی غیرممکن یا دشوار است.

در سناریوی محدودیت متاورس با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شود. در این سناریو ارتباطات کلامی در متاورس دچار مشکلاتی می‌شود، مانند اختلال در صدا، کاهش کیفیت و قابلیت اطمینان، محدودیت در دسترسی و... این امر باعث می‌شود که ارتباطات میان‌فردی کاهش یابد و افراد با یکدیگر رابطه کمتری داشته باشند. همچنین، ارتباطات غیرکلامی نیز در متاورس ضعیف می‌شود، زیرا آواتارها نمی‌توانند حالات کاربران را به‌صورت واقع‌گرایانه نشان دهند. در این سناریو اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی نیز پایین می‌آید، زیرا متاورس فرصت‌های کمتری برای اشتراک‌گذاری احساسات و ایده‌ها به افراد می‌دهد. همچنین، ادراک نیز در این سناریو به‌اندازه سناریوی رشد نیست و ابراز عواطف هم نمی‌تواند به آن سطح برسد. البته با مدیریت چالش‌ها می‌توان بر چنین مشکلاتی فائق آمد.

در سناریوی زوال متاورس با شکست و سقوط مواجه می‌شود؛ بنابراین در این سناریو ارتباطات کلامی و غیرکلامی در متاورس امکان‌پذیر نیست و افراد مجبورند از راه‌های دیگری برای برقراری ارتباط استفاده کنند. در این سناریو، اثربخشی، ادراک و عواطف در ارتباطات میان‌فردی در متاورس بی‌معناست؛ چراکه این فضا با زوال مواجه شده است.

سناریوی دگرگونی انقلابی است که در آن متاورس با تغییرات اساسی و نوآورانه‌ای روبه‌رو می‌شود. در این سناریو ارتباطات کلامی و غیرکلامی در متاورس به حداکثر خود می‌رسند و افراد می‌توانند با هر شکل و شمایلی که می‌خواهند در متاورس حضور داشته باشند و ارتباط برقرار کنند. در این سناریو اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی نیز بالا می‌رود، زیرا متاورس فرصت‌های نامحدودی برای اشتراک‌گذاری احساسات و ایده‌ها به افراد می‌دهد. اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی در متاورس به حداکثر خود می‌رسد؛ زیرا امکان همدلی، گشودگی، حمایتگری و... مانند دنیای واقعی وجود دارد. ادراک بهتر و امکان بروز عواطف در این سناریو بیش از دیگر سناریوها وجود دارد، زیرا همه‌چیز برای برقراری ارتباط بدون مشکل مهیا است.

نظریات ارتباطات میان فردی در سناریوهای چهارگانه

برای این که تفاوت ارتباطات میان فردی در هر سناریو مشخص تر شود، باید با نظر به بخش نظری پژوهش به بررسی سناریوها پرداخت.

نظریه کاستن عدم اطمینان

سناریوی رشد: در سناریوی رشد با پیشرفت و گسترش متاورس، افراد می توانند از راهبردهایی مانند جمع آوری اطلاعات با مشاهده رفتار دیگران استفاده کنند که باعث افزایش اطمینان در ارتباطات شود. همچنین در این سناریو، با توسعه فضای مجازی، فرصت های بیشتری برای خود افشایی وجود دارد که می تواند به کاهش عدم اطمینان در ارتباطات میان فردی منجر شود.

سناریوی محدودیت: در این سناریو عدم اطمینان می تواند به دلیل محدودیت ها و چالش های ارتباطی در متاورس افزایش یابد، اما از طریق تعامل با فرد و پرسش از سوم شخص، افراد می توانند تلاش کنند تا اطمینان خود را در ارتباطات بهبود بخشند. همچنین با مدیریت چالش های ارتباطی خود افشایی می تواند برای ایجاد اطمینان و جلب اعتماد در ارتباطات تأثیرگذار باشد.

سناریوی زوال: در این سناریو با شکست متاورس عدم اطمینان افزایش می یابد و اقبالی به خود افشایی در متاورس و بهبود روابط میان فردی وجود ندارد.

سناریوی دگرگونی: در سناریوی دگرگونی انقلابی در متاورس رخ می دهد که جمع آوری کلان داده ها و استفاده از اطلاعات شخصی دقیق به تعامل با افراد به شدت کمک می کند. با فناوری های به روز شده نیز افراد می توانند خود افشایی بیشتری داشته باشند و در مورد یکدیگر بیشتر مطلع شوند. این امر به اطمینان بیشتر و ارتباطات بهتر کمک می کند.

نظریه نفوذ اجتماعی

سناریوی رشد: در این سناریو با گسترش متاورس و افزایش تعاملات میان فردی افراد ممکن است ارتباطات خود را از حالت سطحی به حالت صمیمانه و عمیق تری منتقل کنند. با توسعه روابط اجتماعی در متاورس افراد احساسات، ارزش ها و باورهای خود را با دیگران به اشتراک می گذارند که این امر منجر به نفوذ اجتماعی و توسعه روابط صمیمی تر می شود.

سناریوی محدودیت: در سناریوی محدودیت به دلیل چالش‌های ارتباطی احتمالاً ارتباطات میان‌فردی در متاورس به سطوح عمیق نمی‌رسد، اما با حل مشکلات و تلاش برای ایجاد ارتباطات صمیمی‌تر، افراد می‌توانند اطلاعات و احساسات عمیق‌تری را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و روابط صمیمانه‌تری برقرار کنند.

سناریوی سقوط: با شکست متاورس ارتباطات میان‌فردی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به‌طوری‌که در متاورس ارتباط صمیمی رخ نمی‌دهد و برقراری ارتباطات از پلتفرم‌های دیگر ممکن است.

سناریوی دگرگونی: در این سناریو با ایجاد فضایی جدید، روابط اجتماعی و ارتباطات میان‌فردی نیز به سمت حالت صمیمانه‌تر و عمیق‌تر پیش می‌رود، حتی برای کسانی که قادر به برقراری ارتباط چهره به چهره نیستند.

نظریه مدیریت محرمانگی

سناریوی رشد: با گسترش متاورس و افزایش تعاملات میان‌فردی افراد ممکن است به افشای اطلاعات خود بیشتر بپردازند، اما همچنان توجه زیادی به مدیریت محرمانگی خود داشته باشند. افراد می‌توانند حد و حدودی را برای اطلاعات مشترک تعیین کرده و کنترل بیشتری بر دسترسی دیگران به اطلاعات خود داشته باشند.

سناریوی محدودیت: در این سناریو افراد ممکن است به مدیریت محرمانگی ارتباط بیشتر توجه کنند و اطلاعات خود را به‌صورت کاملاً خصوصی نگه دارند. با ایجاد مرزهای دقیق بین اطلاعات عمومی و خصوصی، افراد می‌توانند کنترل بیشتری بر دسترسی دیگران به اطلاعات خود داشته باشند.

سناریوی سقوط: هنگام سقوط ممکن است اطلاعات افراد در متاورس در دسترس همگان قرار گیرد و توجهی به مدیریت محرمانگی نشود.

سناریوی دگرگونی: در این سناریو افراد ارتباطات زیادی از طریق متاورس برقرار می‌کنند. با افزایش آگاهی، ایجاد قوانین و مرزهای جدید برای اطلاعات مشترک و توجه به نیازهای مختلف افراد، مدیریت محرمانگی می‌تواند به‌صورت مؤثرتری در این سناریو نقش داشته باشد. در این سناریو ممکن است محرمانگی، حریم خصوصی و مواردی از این دست معنایی کاملاً متفاوت با امروز داشته باشند و مناسبات اجتماعی دیگری رقم بخورد.

بحث و نتیجه گیری

با پیشرفت فناوری تمایل به برقراری ارتباط از طریق پلتفرم‌های جدید بیشتر می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی ممکن است سطح جدیدی از ارتباطات میان‌فردی تا چند سال آینده ایجاد شود. به همین خاطر آینده‌پژوهی ارتباطات میان‌فردی اهمیت دارد، اما نباید فاکتورهای اساسی ارتباطات میان‌فردی را در بررسی سناریوهای برآورد شده، کم‌اهمیت شمرد.

مثلاً در سناریوی رشد، با پیشرفت فناوری‌ها و گسترش متاورس، ارتباطات میان‌فردی به سطحی جدید از کیفیت و امکانات می‌رسد. افراد در این فضا می‌توانند به راحتی از فناوری‌های پیشرفته برای برقراری ارتباطات مؤثر و صمیمی استفاده کنند. این فناوری‌ها از قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی برخوردارند که کیفیت ارتباطات را افزایش می‌دهند، از جمله این که افراد می‌توانند با استفاده از آواتارها حالات و احساسات خود را به طرف مقابل انتقال دهند و از طریق تعاملات بین آواتارها واقع‌گرایی بیشتری در تبادل اطلاعات غیرکلامی داشته باشند. به این ترتیب، ارتباطات میان‌فردی در متاورس بهبود یافته و افراد می‌توانند به طریقی مؤثرتر و عمیق‌تر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در این سناریو فرایند کاستن عدم اطمینان نیز نقش مهمی در توسعه ارتباطات میان‌فردی دارد. با گسترش فضای مجازی و افزایش فرصت‌ها برای خود افشایی، افراد می‌توانند از راهبردهایی مانند جمع‌آوری اطلاعات با مشاهده رفتار دیگران استفاده کنند که باعث افزایش اطمینان در ارتباطات شود. همچنین، با توسعه فضای مجازی، فرصت‌های بیشتری برای خود افشایی وجود دارد که می‌تواند به کاهش عدم اطمینان در ارتباطات میان‌فردی کمک کند. نفوذ اجتماعی نیز در این سناریو اهمیت دارد. با گسترش فرصت‌ها برای تعاملات میان‌فردی در متاورس، افراد احساسات، ارزش‌ها و باورهای خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند که این امر منجر به نفوذ اجتماعی و توسعه روابط صمیمی‌تر می‌شود. البته، مدیریت محرمانگی هم در این سناریو نقش مهمی دارد. با گسترش ارتباطات میان‌فردی و افزایش تعاملات در متاورس، مدیریت محرمانگی اطلاعات به یکی از مهم‌ترین مسائل تبدیل می‌شود. افراد ممکن است اطلاعات خود را به صورت کاملاً خصوصی نگه دارند و مرزهای دقیق بین اطلاعات عمومی و خصوصی تعیین کنند تا کنترل بیشتری بر دسترسی دیگران به اطلاعات خود داشته باشند.

در سناریوی محدودیت مواجهه با چالش‌هایی مثل محدودیت در دسترسی به فناوری‌ها امکان‌پذیر است؛ به همین دلیل مدیریت صحیح و نقش بازیگران در حفظ متاورس اهمیت دارد. در این سناریو کاستن عدم اطمینان اهمیت دارد، زیرا افراد با خطرات امنیتی مواجه هستند.

آن‌ها تلاش می‌کنند با خود افشایی و افزایش اطمینان خود و افراد دیگر توانایی برقراری ارتباطات مؤثرتری را کسب کنند. از دیدگاه نظریه نفوذ اجتماعی نیز در این سناریو احتمالاً ارتباطات میان‌فردی به سطوح عمیق‌تری نمی‌رود. با وجود محدودیت‌ها، افراد ممکن است احساسات، ارزش‌ها و باورهای خود را با دیگران به اشتراک نگذارند. اما با حل مشکلات و تلاش برای افزایش تعاملات، افراد می‌توانند به کاهش عدم اطمینان و توسعه روابط میان‌فردی خود بپردازند. مدیریت محرمانگی نیز می‌تواند در این سناریو نقش مهمی ایفا کند. با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌های ارتباطی، افراد ممکن است به مدیریت محرمانگی اطلاعات بیشتری توجه کنند و اطلاعات خود را به صورت خصوصی نگه دارند.

در سناریوی زوال، با شکست و سقوط متاورس، ارتباطات میان‌فردی به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند و این فضا به طور کلی از بین می‌رود. افراد دیگر نمی‌توانند به راحتی از این فضا برای برقراری ارتباطات استفاده کنند و ممکن است حتی امکان دسترسی به این فضا وجود نداشته باشد. این وضعیت باعث می‌شود که ارتباطات میان‌فردی در متاورس به سطحی نامطمئن و ضعیف برسد. در این سناریو نظریه کاستن عدم اطمینان کارایی کمتری دارد، زیرا با شکست متاورس و از بین رفتن امکانات آن، افراد اطمینان کمتری به تأثیرگذار بودن برقراری ارتباط در متاورس دارند. بنابراین، ارتباطات میان‌فردی به سطوحی عمیق‌تر نمی‌رسد، مگر در سایر پلتفرم‌ها.

در سناریوی دگرگونی، متاورس با تغییرات اساسی و نوآورانه‌ای روبرو می‌شود که ارتباطات میان‌فردی را به سطوح جدیدی ارتقا می‌دهد. در این سناریو افراد می‌توانند با هر شکل و شمایلی که می‌خواهند در متاورس حضور داشته باشند و به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. فضای متاورس فرصت‌های بیشتری برای اشتراک‌گذاری احساسات و ایده‌ها به افراد می‌دهد و این امر باعث افزایش اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی می‌شود. با پیشرفت‌های فناوری، ارتباطات کلامی و غیرکلامی در متاورس به حداکثر خود می‌رسند. آواتارها و رابط‌های کاربری به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند حالات کاربران را به صورت واقعی نمایش دهند و این امر باعث تقویت ارتباطات میان‌فردی می‌شود. اثربخشی در ارتباطات میان‌فردی به حداکثر می‌رسد، زیرا افراد در این فضا فرصت‌های نامحدودی برای اشتراک‌گذاری احساسات و ایده‌ها دارند و این به آن‌ها اجازه می‌دهد تا روابط صمیمانه‌تری را برقرار کنند. در این سناریو با توسعه فضای مجازی و افزایش تعاملات، افراد می‌توانند از راه‌هایی مانند جمع‌آوری اطلاعات با مشاهده رفتار دیگران استفاده کنند که باعث افزایش اطمینان در ارتباطات شود. همچنین، با توسعه روابط اجتماعی، افراد

احساسات، ارزش‌ها و باورهای خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند که این امر منجر به نفوذ اجتماعی و توسعه روابط صمیمی‌تر می‌شود. علاوه بر این، با افزایش آگاهی و ایجاد قوانین و مرزهای جدید برای اطلاعات مشترک، مدیریت محرمانگی می‌تواند به صورت مؤثرتری در این سناریو نقش داشته باشد و اطمینان بیشتری در ارتباطات میان فردی به افراد بدهد.

منابع

- باستانی، قادر (۱۳۸۶). اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران. چاپ دوم. تهران، ایران: انتشارات ققنوس
- حاجیانی، ابراهیم و قصاب، محمود (۱۳۹۲). آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روش‌ها و دسته‌بندی سناریوها. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، شماره هشتم.
- حیدری، امیر هوشنگ (۱۳۹۳). مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی. فصلنامه علمی-ترویجی علم؛ سال پنجم، شماره هفتم.
- خال، محبوبه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نقش ارتباطات میان فردی و سازمانی در میان مدیران و کارکنان سازمان بهشت‌زهر (س) و تأثیر آن در کسب رضایت شغلی آن‌ها. کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. تهران
- دی تور، جیمز (۱۳۷۸). آینده‌پژوهی به عنوان دانشی کاربردی. رهیافت. شماره ۲۰
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول): اصول و مبانی (چاپ نهم). تهران، ایران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- شلدون، پاپیسا. (۱۳۹۶). رسانه‌های اجتماعی اصول و کاربردها. ترجمه حسین حسینی. تهران، ایران: ثانیه فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). ارتباط انسانی. جلد اول. چاپ هفدهم. تهران. ایران: انتشارات رسا
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). ارتباط انسانی. جلد دوم. چاپ هفدهم. تهران. ایران: انتشارات رسا
- کورنیش، ا (۲۰۰۴). برون‌یابی آینده. مترجم سیاوش ملکی فر. تهران، ایران: نماد - نیما
- کوثری، مسعود و مولایی، محمدمهدی (۱۳۹۷). پویای محیط محتوای فضای مجازی در افق ایران ۱۴۰۴. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۵۲.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085575.1397.14.52.4.6>
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۶۹). ارتباط‌شناسی. تهران. ایران: سروش
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۹۱). ارتباطات انسانی. تهران. ایران: سمت
- معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی معین. تهران، ایران: انتشارات امیرکبیر
- مولایی، محمدمهدی، طالبیان، حامد و عابدی، حمید. (۱۳۹۶). سناریوهای مسائل فضای مجازی ایران در سال ۱۳۹۵. مطالعات رسانه‌های نوین. سال سوم، شماره ۹.

عمید، حسن (۱۳۳۰). فرهنگ فارسی عمید. تهران، ایران: انتشارات امیرکبیر
وود، جولیا (۱۳۷۹). ارتباطات میان فردی روانشناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران،
ایران: مهتاب

- Amid, Hassan (1951). Amid's Persian Dictionary. Tehran, Iran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Bastani, Qader (2007). Principles and Techniques of Effective Communication with Others. Second Edition. Tehran, Iran: Ghoghnoos Publishing. (In Persian)
- Beck, A., Bennet, P., & Wall, P. (2002). Communication Studies: The Essential Introduction. London: Rutledge.
- Bell, W. (1997). History, purposes, and knowledge. Foundations of futures studies, vol. 1. New Brunswick and London: Transaction Publishers.
- Bell, W. (1997). Values, objectivity, and the good society. Foundations of futures studies, vol. 2. New Brunswick and London: Transaction Publishers.
- Cornish, E (2004). Future Extrapolation. Translated by Siavash Malekifar. Tehran, Iran: Nima – Nemad. (In Persian)
- Dani, I., & Azhar, A. A. (2022). Interpersonal Communication With The Deaf In The Metaverse Age. Muharrik: Jurnal Dakwah dan Sosial, 5(02), 285-291.
- Dani, I., & Azhar, A. A. (2022). Interpersonal Communication With The Deaf In The Metaverse Age. Muharrik: Jurnal Dakwah dan Sosial, 5(02), 285-291.
- Dator, Jim (1999). Futurology as an Applied Science. Approach. Issue 20. (In Persian)
- Farhangi, Ali Akbar (1995). Human Communication. Volume One. Seventeenth Edition. Tehran, Iran: Rasa Publications. (In Persian)
- Farhangi, Ali Akbar (1995). Human Communication. Volume Two. Seventeenth Edition. Tehran, Iran: Rasa Publications. (In Persian)
- Hajiani, Ebrahim and Ghasa, Mahmoud (2013). The Future and Scenario Writing; Classification of Methods and Categorization of Scenarios. Social and Cultural Strategy Quarterly, Second Year, Issue Eight. (In Persian)
- Heidari, Amir Houshang (2014). Foundations and Concepts of Futurology. Scientific-Promotional Quarterly of Science Promotion; Fifth Year, Issue Seven. (In Persian)
- Khal, Mahboubeh (2015). A Comparative Study of the Role of Interpersonal and Organizational Communications Among Managers and Employees of Behesht Zahra Organization (S) and Its Impact on Their Job Satisfaction. Master's Degree. Islamic Azad University, Central Tehran Branch. Tehran. (In Persian)
- Hosseini, S. H. , Nosraty, N. and Tomraee, S. (2025). Children, Healthy Lifestyle and Media Literacy. *Journal of Cyberspace Studies*, 9(1), 1-23. doi: 10.22059/jcss.2024.387609.1120
- Kowsari, Masoud and Mowlaei, Mohammad Mahdi (2018). Scanning the Content Environment of Cyberspace on the Horizon of Iran 1404. Cultural Studies and Communication Quarterly, Volume 14, Issue 52.
[https://dori.net/dor/20.1001.1.20085575.1397.14.52.4.6] (In Persian)
- Moein, Mohammad (1985). Moein's Persian Dictionary. Tehran, Iran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Mohsenian Rad, Mehdi (1990). Communication Studies. Tehran, Iran: Soroush. (In Persian)
- Mohsenian Rad, Mehdi (2012). Human Communications. Tehran, Iran: Samt. (In Persian)

- Mowlaei, Mohammad Mahdi, Talebian, Hamed, and Abedi, Hamid (2017). Scenarios of Issues of Iran's Cyberspace in 1395. *Studies of New Media*. Third Year, Issue 9. (In Persian)
- Mystakidis, Stylianos (2022) Metaverse, *Encyclopedia 2022*, 2, 486–497.
- Sakhaei, S., Soroori Sarabi, A., & Alinouri, S. (2024). Teaching IT Use to Elderly: A Media Literacy Solution. *Journal of Cyberspace Studies*, 8(2)
- Saroukhani, Bagher (2004). *Research Methods in Social Sciences (Volume One): Principles and Foundations (Ninth Edition)*. Tehran, Iran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Sheldon, Pavisa (2017). *Social Media Principles and Applications*. Translated by Hossein Hassani. Tehran, Iran: Saniyeh. (In Persian)
- Soroori Sarabi, A., Zamani, M., Ranjbar, S. (2023). Innovation – But with Risk: The Strategic Role of IT in Business Risk Management. *Journal of Cyberspace Studies*, 7 (2)
- Voros J. (2003). A Generic Foresight Process Framework, *foresight* 5,3
- Winterhalter, C. (2023). Metaverse and Its Communication. *The Future is Here. True or False?* In I. EditorLastName (Ed.), *Fashion Communication in the Digital Age* (pp. 37–48).
- Wood, Julia (2000). *Interpersonal Communication Psychology of Social Interaction*. Translated by Mehrdad Firouzbakht. Tehran, Iran: Mahtab. (In Persian)
- Ziying, Song (2022). *Interpersonal Communication Research in Metaverse: Taking Si-Fi Films as Examples*. 8th International Conference on Humanities and Social Science Research.

